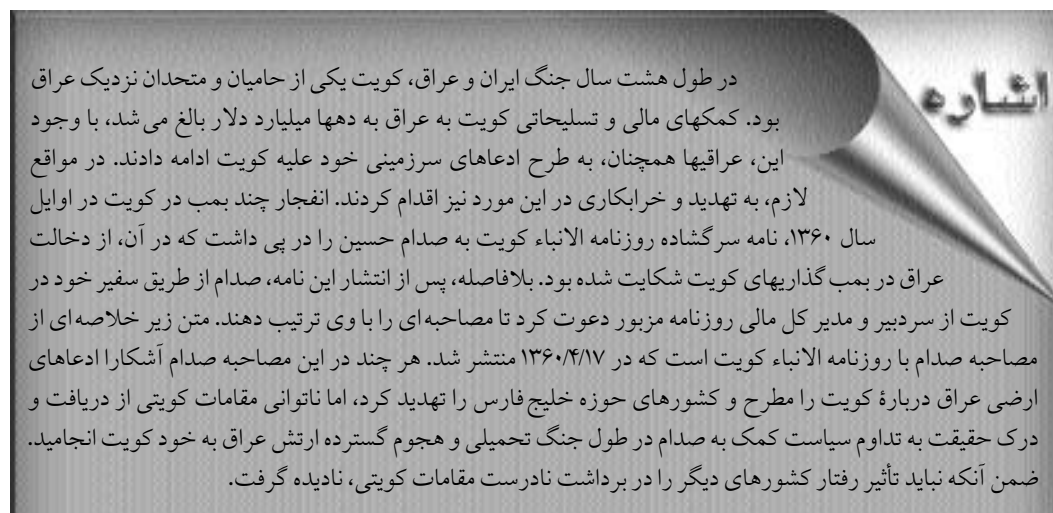


مصاحبه صدام حسین

باروزنامه کویتی الانباء درباره کمکهای کویت به عراق

سند شماره ۰۰۴۴۸۸، گزیده اسناد عملیات نامن الاثمه، ج ۳،
آرشیو مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ



در طول هشت سال جنگ ایران و عراق، کویت یکی از حامیان و متحدان نزدیک عراق بود. کمکهای مالی و تسلیحاتی کویت به عراق به دهها میلیارد دلار بالغ می شد، با وجود این، عراقیها همچنان، به طرح ادعاهای سرزمینی خود علیه کویت ادامه دادند. در مواقع لازم، به تهدید و خرابکاری در این مورد نیز اقدام کردند. انفجار چند بمب در کویت در اوایل سال ۱۳۶۰، نامه سرگشاده روزنامه الانباء کویت به صدام حسین را در پی داشت که در آن، از دخالت عراق در بمب گذاریهای کویت شکایت شده بود. بلافاصله، پس از انتشار این نامه، صدام از طریق سفیر خود در کویت از سردبیر و مدیر کل مالی روزنامه مزبور دعوت کرد تا مصاحبه ای را با وی ترتیب دهند. متن زیر خلاصه ای از مصاحبه صدام با روزنامه الانباء کویت است که در ۱۳۶۰/۴/۱۷ منتشر شد. هر چند در این مصاحبه صدام آشکارا ادعاهای ارضی عراق درباره کویت را مطرح و کشورهای حوزه خلیج فارس را تهدید کرد، اما ناتوانی مقامات کویتی از دریافت و درک حقیقت به تداوم سیاست کمک به صدام در طول جنگ تحمیلی و هجوم گسترده ارتش عراق به خود کویت انجامید. ضمن آنکه نباید تأثیر رفتار کشورهای دیگر را در برداشت نادرست مقامات کویتی، نادیده گرفت.

عناصر فارس علیه عراق در کویت فعالیت کنند که در این صورت، آرزو می کنم جوانان کویت خودشان پاسخ آنها را بدهند. در واقع، در این جنگ، تنها عراق در مقابل ایران نیست، بلکه تمام ملت عرب در مقابل ایران قرار دارند؛ بنابراین، جنگ ساده ای نیست. در این جنگ، هر کس بستگان خود را پیدا کرد. عناصر فارس که روزی گرسنه و بی چیز به کویت آمدند و بر منابع و نبض تجارت این کشور دست یافتند، اکنون، به هنگام بی نیازی، کویت را فراموش کرده و به قم و تهران برگشته اند. ایرانیان مقیم کویت مشابه همان افرادی هستند که ما آنها را از عراق اخراج کردیم و

«من تمامی ملت عرب را یکی می دانم. از جریان اخیر کویت نیز اطلاع درستی نداشتم؛ زیرا، از آغاز جنگ، بیشتر وقت خود را به فعالیتهای نظامی اختصاص می دهم و سعدون شاکر، وزیر کشور که پیش از من، آگاه شده بود، مرا در جریان این امر قرار داد که به دنبال اقدام پیشین در کویت، عده ای برای آزادی عاملان عمل قبلی، با انفجار شرکت کشتی رانی ایران به اجرای عملیات مشابهی اقدام کرده و دو نفر از آنها به عراق آمده اند. به اعتقاد من، با وارد آوردن فشار نمی توان زندانیان را آزاد کرد، ضمن آنکه ما راضی به اخلال در امنیت و نظم کویت نیستیم، مگر در صورتی که



بخشی از عراق است و مرز عراق تا دیوار شهر کویت می‌رسد. در واقع، ما دنبال این مسائل نیستیم و مسئله مهم، مسئله جامعه ما و شماسست. در این برهه، جنگ یک واقعیت است و همان طور که دیدید نیروی دریایی کوچک ما با ناوهای بزرگ ایرانی شجاعانه جنگیدند و اگر می‌توانستیم کمی جلوتر برویم، وضعیت بهتری پیدا می‌کردیم، پیش از این، برادران کویتی ما می‌گفتند کویت در زمان ضرورت، در اختیار شماسست، اما اکنون، عنوان می‌کنید اگر ناوچه‌های عراقی به کویت نزدیک شوند، برایمان مشکل ساز خواهد بود، در حالی که ما اکنون به پایگاهی نظامی در کویت نیاز داریم تا هوایماهایمان بتوانند از نقطه نزدیک تری به مواضع ایران حمله کنند، نه کویت با خواسته ما موافقت می‌کند و نه ما روی آن را داریم که این خواسته را مطرح کنیم.

اما در مورد مخالفت در داخل عراق، باید بگویم اکنون، کسی نمی‌تواند بگوید در این کشور ناراضی وجود دارد؛ زیرا، فرستادن یک ملت ناراضی به جبهه و جنگی که در آستانه ورود به سال دوم آن هستیم، کار آسانی نیست، در حالی که ایران با اعلام این که عراق به خاکش وارد شده است، بسیار آسان‌تر می‌تواند سربازان را برای جنگ و بیرون راندن عراق ترغیب کند....

ما از نظر وضع داخلی، در ثبات کامل قرار داریم و همان طور که می‌دانید حتی گارد ریاست جمهوری را نیز به جبهه فرستاده‌ایم. البته، به استثنای وزیران، حتی معاونان وزارتخانه‌ها نیز به جبهه اعزام شده‌اند. سپس صدام به تهدید کشورهای دیگر خلیج فارس پرداخت و گفت: «هر گاه مناسبات عراق با کشوری به سردی می‌گراید، حق با عراق است و برای من مانعی ندارد که این مناسبات به هم بخورد. همه می‌دانند من گفته‌ام و باز هم تأکید می‌کنم تا زمانی که شیخ زاید (رئیس دولت امارات متحده عربی) سند تسلیم سه جزیره را از جانب ایران دریافت نکند، هیچ موافقت‌نامه‌ای را با ایران امضا نخواهم کرد، اگر رئیس امارات خواست خلاف این توافق کند آیا من حق اعتراض ندارم، اما شیخ زاید به بهانه اینکه هوایما ندارد، از اعزام نمایندگان به بغداد خودداری می‌کند. در کشورهای خلیج [فارس] زمزمه‌هایی به گوش می‌رسد مبنی بر اینکه عراق در صورت پیروز شدن، به کشورهای خلیج [فارس] تجاوز خواهد کرد، همچنین، زمزمه‌هایی مبنی بر ترس حکومت‌های خلیج [فارس] از این جریان وجود دارد، من می‌گویم مگر عراق دوازده سال بزرگ‌ترین قدرت در برابر این حکومتها و حتی در برابر عربستان نبوده است؟ من

اگر اکنون، در کویت خاموش نشسته‌اند، در انتظار فرصت هستند و من از هر کویتی توقع دارم، در مقابل دشمنان عراق بایستد، اما در مورد این دو نفر که به عراق آمده‌اند، من به فرستاده وزارت کشور کویت گفتم با توجه به اینکه آنها از سازمان آزادی‌بخش فلسطین هستند، با امیر کویت مشورت کن، اگر مصلحت دانست، ما آنها را دستگیر و به دولت کویت تحویل خواهیم داد، اما بهتر است این مسئله را حل کنیم، به طوری که به کویت لطمه‌ای وارد نشود».

صدام در مورد مرز عراق با کویت گفت: «همان‌گونه که با عربستان و اردن نیز مطرح شد، یک وجب جلو رفتن و عقب آمدن مسئله‌ای نیست؛ زیرا، ما به خاک این کشور طمع نداریم. طمع ما نسبت به افراد است و می‌خواهیم همه مردم کویت با ما باشند، اما بارها به شما گفتم این عراقی که شما به نامش افتخار می‌کنید، در حال حاضر، در تنگنا قرار گرفته است. جبهه دریایی ما سیزده کیلومتر بیشتر نیست و آن هم دهانه‌ای است. در واقع، نیروی دریایی ما در داخل دهانه‌ای قرار دارد که همچون طوقی ما را گرفتار کرده است و برای خروج از آن و وارد شدن به منطقه‌ای با امکانات بیشتر به هفت تا نه مانور دریایی نیاز داریم؛ بنابراین، در هر جنگی، ما در این مکان نابود شدنی هستیم؛ موضوعی که برای هر دوی ما خطرناک است. صرف نظر از این مسائل، ما قبلاً به شما گفتیم قسمتی از جزیره بوبیان را برای ۹۹ سال به ما اجاره بدهید تا در آنجا، پایگاهی را تأسیس و از عراق و در صورت لزوم، از شما نیز دفاع کنیم. اکنون، نیز درخواست می‌کنیم. اگر برای دفاع از عراق جزیره بوبیان را مناسب نمی‌دانید، در هر نقطه دیگری از خاک کویت که می‌خواهید، به ما پایگاه نظامی بدهید، اما شما پاسخ می‌دهید که ملت کویت تمام نقاط کشورشان را پایتخت می‌دانند. البته، در این میان، این مسئله را مطرح نمی‌کنیم که برخی در داستانه‌های خود عنوان می‌کنند جزیره بوبیان

آشکار خواهد شد. من تصور می‌کردم که گفته‌های من در آنها تأثیری دارد، ولی آنها به حرفهای من وقعی ننهادند؛ مسئله‌ای که در روحیه جنگجویان ما در جبهه تأثیر نامطلوبی گذاشت. جنگجویانمان در جبهه‌ها می‌پرسند، چگونه از شرف اعراب دفاع کنیم، در حالی که برادرانمان در خلیج [فارس] ما را تنها گذاشته‌اند؟

در واقع، سیاست حزب بعث، وحدت تمامی اعراب است و در این راستا، چیزی جز تشویق شما نمی‌خواهم و تنها صحبت بیوه‌زنان که می‌گویند همسرم فدای تو شد یا پیرزنها می‌گویند که بچه‌هایم فدای تو شدند، برایم کافی است و من هرگز اندیشه رهبری اعراب را در سر نمی‌پرورانم.

می‌ترسم که این گفته برادران ما که در خلیج [فارس] خواهان پیروزی ما نیستند، صحت داشته باشد، وگرنه چه دلیلی دارد که با دشمن ما (ایران) این‌گونه مجامله می‌کنند؟».

صدام در مورد تأسیس شورای همکاری خلیج فارس و عدم دعوت از عراق برای شرکت در این شورا گفت: «من به شاهزاده فهد گفتم که این فکر خوبی است، اما باید زمان را نیز در نظر داشته باشید. این درست نیست که عراق، به تنهایی برای شما بجنگد و شما همه با هم جمع شوید و عراق تنها باشد و سرانجام، این دیپلماسی پنهان کشورهای عرب منطقه در دوری از عراق، از سوی برخی، به ویژه ایران

